

کاشانه

ویژۀ **نامه هفتگی سبک زندگی**
و **خانواده روزنامه جوان**



پنج‌شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۱ – ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۴

از کجا بدانیم آدم نفهمی هستیم!؟

اگر همه را

نفهم می‌دانید

در فهم خودتان شک کنید

می‌خواهم در مورد کاری با شما صحبت کنم که احتمالاً امروز صبح انجام داده‌اید. در آینه نگاه کنید و از خود بپرسید من آدم نفهمی هستم؟ این سؤال به نظر معقول و موجه است. احتمالاً نفهم‌های اصیل و نابی در جهان وجود دارند و بسیاری از آنها خود را از لحاظ اخلاقی بسیار بالا یا حداقل متوسط می‌دانند. آنها از نظر خودشان نفهم نیستند، زیرا خودشناسی نفهم‌ها امری دشوار و سخت‌یاب است...

حجت الاسلام شهاب مرادی، استاد دانشگاه:

دختر خانم‌ها حتماً با اطمینان از مسئولیت‌پذیری خواستگار «بله» را بگویند

رضا اسماعیلی، کارشناس مسائل خانواده:

تجربیات منفی خود را در ازدواج به دیگران منتقل نکنیم

حجت‌الاسلام‌علی‌هوشیار مشاور ازدواج:

خانواده‌های با نشاط الگوهای موفق تری برای ازدواج جوانان هستند

مادیات ملاک نیست اما پسر باید جنم کارکردن داشته‌باشد

کوتاه بیایید وصلت سر بگیرید



فاطمه بنیادی پژوهشگر ارتباطات در گفت‌وگو با «جوان»:

والدین جعبه‌ابزار رسانه‌ای خود را تجهیز و به روز کنند

■ نسلی که زندگی قبل از اینترنت را تجربه نکرده است، «دیجیتال برن» نامیده می‌شود و بزرگ‌شده در فضایی است که علاوه بر محیط واقعی، زندگی در فضای مجازی را هم تجربه می‌کند. کسانی که در فضای عصر دیجیتال به دنیا نیامدند از جایی به بعد وارد اتمسفرهای مختلف اینترنت می‌شوند و این تجربه را کسب می‌کنند، اما نسل امروز تجربه زیست قبل از اینترنت را ندارند و همه آنچه در فضای فناوری ارتباطات هست راجز حیات خود تلقی می‌کنند؛ به تعبیری اینترنت ادامه دست و پای او و فضای مجازی ادامه حس بنیایی، شنوایی و درک حواس وی است.



نقش واژه‌ها در زندگی جدی بگیریم

من می‌دونم موفق نمی‌شیم!

■ شاید شما هم با شخصیت «گلام» در کارتون قدیمی گالیور آشنا باشی؛ همان آدم کوچولویی که همیشه می‌گفت: «من می‌دونم موفق نمی‌شیم». گلام نماد بسیاری از آدم‌هایی است که دور و بر ما زندگی می‌کنند. بی‌تردید تفسیر ما از این دنیا واژه‌هایی که با آنها وقایع زندگی را توصیف می‌کنیم، بر احساس ما ونحوه مواجهه با فشار عصبی و حتی الهام بخشیدن به دیگران تأثیر زیادی دارد...

خوشه‌چین

نوشداروی خلاصی از غم

ما کمتر به میراث معرفتی و فکری خود به عنوان «نسخه روان‌درمانی» نگاه کرده‌ایم اما اگر اندکی دقیق‌تر به این گنجینه نگاه کنیم می‌بینیم

اشاره‌های بسیار کاربردی و امروزی در این بوستان معرفتی وجود دارد که سال‌ها می‌توان از آن خوشه‌چینی کرد.

■ ■ ■

بر سر آتم که گرز دست برآید/ دست به کاری ز نم که غصه سرآید
در این بیت، حافظ به ما وعده و بشارت مهمی می‌دهد. انگار ما نزد او رفقه و از هجوم غصه‌ها گلایه کرده باشیم، تصور کن از او پرسیده باشیم: «من در هجوم غم‌ها چه کنم؟ به کجا بروم تا از دحام این همه پریشانی در امان باشم؟» حافظ در این بیت می‌گوید: می‌خواهم کاری کنم که ریشه غصه‌ها از اعماق قلب من کنده شود. اما آن کار چیست؟
خلوت دل نیست جای صحبت اُضداد/ دیو جو بیرون رود، فرشته درآید
اگر بر این بابور هستیم که واژه به واژه سخن اولیا از جمله حافظ، فوق‌العاده دقیق و حساب شده است – هم چنان که او را به درستی «لسان‌غیب» لقب داده‌اند – در اینصورت از ارزشمندی تک تک کلمات حافظ نباید به سادگی گذشت. در بیت قبلی حافظ شاره شاه کلید مهمی را به ما می‌دهد، مژده نوشدارویی که ما را از «هجوم دردها» مصون نگه دارد و روئین‌تن‌مان کند و حالا باید گوش به زنگ اولین واژه‌ای باشیم که از زبان او بیرون می‌آید.

■ **اکسیری به نام خلوتی**

اولین واژه ایمن بیت، خلوت است. ما با خلوت شدن می‌توانیم از هجوم غصه‌ها و غم‌ها در امان باشیم. به دور و برمان نگاه کنیم. آیا غیر این است که علت قیض و گرفتگی روانی ما سلب خلوتی درون ماست؟ ما چون خلوت درون‌مان را از دست داده‌ایم احساس فشار و آشفته‌گی را تجربه می‌کنیم. مثل این است که خانه‌ای، به‌هم ریخته و شلوغ و درهم برهم باشد، طبیعی است که ساکنان حس راحتی را در آن خانه تجربه نکنند. چرا؟ چون نمی‌توانند جابه‌جا شوند و جولان بدهند. ساکنان

چنین خانه‌ای به محض اینکه می‌خواهند تکانی بخورند دست و پایشان در انبوه وسایل و جنگل اشیا گیر می‌کند، می‌خواهند نفس بکشند اما انبوه وسایل اجازه نمی‌دهند هوا به راحتی در قفسه سینه‌شان رفت و آمد کند. ■ **صحبت اُضداد، دوگانگی‌های درون ماست**

حافظ مثل همه بزرگان معرفتی ما، به یک معنا روان‌درمان است و پیشنهاد او فوق‌العاده است: تا درون خود را خلوت نکنید نمی‌توانید از دام غصه‌ها بیرون بیایید. می‌گوید به این نگاه کن که روان تو عزیزتر از آن است که

آن را به راحتی در اختیار صحبت اُضداد قرار دهی. اما صحبت اُضداد چیست؟ صحبت اُضداد، دوگانگی‌های درون ماست. گفت‌وگوهای ذهنی مداوم و شبانه روزی ماست که اجازه نمی‌دهد خانه درون ما آن نوشداروی خلوتی را تجربه کند.

■ **اگر وسایل عزیزند، خلوتی عزیزتر است**

شاید این مثال قدری موضوع را روشن‌تر کند. شما اگر چه در خانه‌تان وسایل دارید اما فقط بخشی از خانه‌تان را در اختیار وسایل قرار می‌دهید. گاهی ممکن است ماحتی به خاطر اینکه فضای کمی در اختیار داریم بسیاری از وسایل را بیرون بگذاریم. این به خاطر چیست؟ به خاطر آن است که اگر وسایل عزیزند خلوتی خانه عزیزتر است. اگر وسایل، کارآمدی دارند خلوتی کارآمدتر است چون اولاً اگر خلوتی نباشد وسایل جایی برای ظهور و بروز پیدا نمی‌کنند و در ثانی اگر تعداد وسایل از یک حدی بالاتر برود نه تنها نمی‌توانند گره‌گشا باشند بلکه به اشیایی دست و پاگیر و مزاحم تبدیل می‌شوند.

■ **چطور از کشمکش صحبت اُضداد بیرون بیاییم؟**

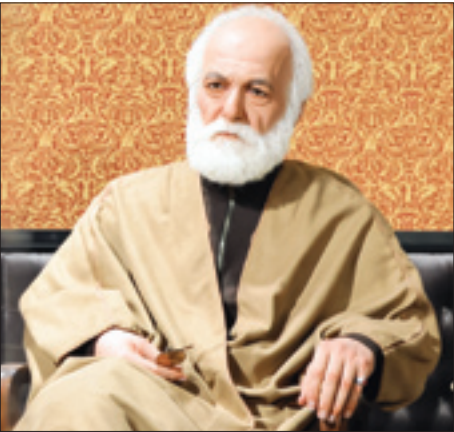
در واقع توصیه حافظ این است: حواست به این باشد که روان خود را پر از خیال‌های تاریک و به‌درندخو، پندارها و گمان‌های باطل نکنی، حواست باشد روان خود را مدام بی‌وقفه در اختیار گذشته و آینده، در اختیار آرزوهای دور و دراز، رویایافی‌های بی‌سروته، حسرت‌ها و امیدهای کاذب قرار ندهی. در این صورت است که تو خلوتی ذهن و ضمیر و روان خود را بازخواهی یافت و به‌واسطه دست‌یافتن به خلوتی دل، از کشمکش صحبت اُضداد بیرون خواهی آمد و به آرامش و شادی خواهی رسید.

در کوی نیکانامان

خودمانی

حاج حسین ملک را بیشتر بشناسیم

کاملاً واقف بود که چرا وقف می‌کند



تا به حال ملک به گوش‌تان خورده است؟ موزه ملک یا کتابخانه ملک؟! حاج حسین ملک چطور؟! اگر دومی را نشناسید قطعاً با اولی آشنایی دارید. حالا این مطلب را بخوانید تا بدانید اسم ملک از کجا آمده است. آقامهدی ملک‌التجار اصالتاً تبریزی و مجتهدزاده بود اما بر خلاف پدر بزرگ خود، ملاًقاً پابامجتهد تبریزی، به کسوت روحانیت درنیامد و راه تجارت در پیش گرفت. او با اینکه در جنگ‌های ایران و روس، خدمات بسزایی انجام داد، بعد

از شکست ایران از روس‌ها، از خدمت دولت کناره گرفت و به کار تجارت مشغول شد. چندی بعد آقامهدی در زمان محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۲ قمری، نشان سرخ را از شاه دریافت کرد و به‌سمت ملک‌التجاری ممالک محروسه منصوب شد و از همان زمان به بعد، لقب «ملک» روی این خاندان ماند اما آن که توانست نام این خاندان را پس از حاج‌کاظم ملک‌التجار (پسر آقامهدی ملک‌التجار) با وقف‌های بی‌شمارش به شهرت برساند، پسرش «حسین آقا ملک» بود. مؤسس مکانی که ذکر آن رفت فردی به نام حاج حسین ملک است. فردی که موزه و خانه و همه زمین‌های اطراف را وقف می‌کند. تاجر اما اهل کتاب و کتابخانه، هنر و فرهنگ که همین علاقه باعث می‌شود کتابخانه را با کتاب و نسخه خطی، عام‌المنفعه کند. کتابخانه ملک یکی از دیدنی‌های ایران است. این مجموعه، شامل هزاران نسخه خطی و چاپ سنگی، آثاری چون فرش‌ها، مبلمان، تابلوهای نقاشی، تمبر، سکه، آثار لاک‌ی و (وغنی)، خوشنویسی و نگارگری است. این کتابخانه با داشتن بیش از ۱۹ هزار عنوان نسخه نفیس خطی، یکی از شش مجموعه بزرگ نسخه‌های خطی در ایران در کنار کتابخانه‌های ملی، آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، آیتالله مرعشی نجفی و دانشگاه تهران به شمار می‌آید. ویژگی و امتیاز کتابخانه ملی ملک در این میانه به ارزش هنری و محتوایی نسخه‌ها و کتاب‌هاست که حاج حسین آقا ملک با حساسیت و تیزبینی ویژه برگزیده و گلچین کرده است.

عمده شهرت حسین ملک در کنار ثروت، املاک و واقف بودن، جمع‌آوری نسخ خطی نفیس است، نسخی که تعدادشان به بیش از ۲۰ هزار می‌رسد و

قلب شما چقدر حافظ اسرار دیگران است؟

هرچه گفتیم و شنیدیم همین جا دفن شود!

گاهی ما از دیگران متوجه موضوعی می‌شویم، اما در هر حالتی باید رازدار باشیم، چراکه اسرار شخصی دیگران نزد ما امانت و در واقع یک امتحان است برای اینکه ببینیم قلب ما چه میزان ظرفیت شنیدن دارا کنجکاوی و عطش دانستن رازهای دیگران نشان دهنده یک نوع خودپسندی است. حواسمان باشد ما حق سؤال کردن درباره رازهای دیگران را نداریم و علاقه و کنجکاوی به اسرار دیگران درست نیست، اینگونه نیاشیم که برای پنهان کردن عقده‌های درون خود دست به افشای اسرار دیگران بزنیم.

گاهی وقت‌ها ما از راز دیگران با خبر می‌شویم به این دلیل که شخصی درد دلی با ما مشکلات خود را مطرح می‌کند. اینجا شاید ما مقام مشورت قرار بگیریم. گاهی حتی والدین به صورت جدا از هم در معرض راز فرزندان قرار می‌گیرند که حتی در این شرایط هم ضروری به بر ملا شدن راز برای دیگری وجود ندارد. تنها در شرایطی که احساس خطر و شکست را متوجه شویم، باید به فرد کمک کنیم و حتی در این شرایط هم حق نداریم زبان به برملا کردن راز دیگران باز کنیم.

اگر کسی مستقیم حرفی را می‌زند و می‌گوید بین خودمان بماند و راز است؛

این نسخ و رساله‌های خطی را در موضوع‌های گوناگون در گستره فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی در کتابخانه ملی ملک گرد هم آورد. در نهایت هم این کتابخانه عظیم را وقف کرد تا همه از آن بهره ببرند. حاج حسین ملک خانه‌ای در مشهد و یک خانه در تهران داشت که هر دو وقف شده‌اند. وی خانه پدری خود در بازار بین‌الرحمین تهران را به همراه تمام اثاثیه و کتاب‌های موجود در آن وقف آستان امام رضا(ع) کرد تا شعبه‌ای از کتابخانه مقدسه رضویه باشد. آنچه وقف شد افزون بر هزاران نسخه خطی نفیس یا چاپ سنگی شامل فرش‌ها، لوسترها، مبلمان و تابلوهای نقاشی بود. همچنین مجموعه‌های تمبر، سکه، آثار لاک‌ی و تابلوهای نقاشی میانشان دیده می‌شد. این آثار ابتدا کنار کتابخانه به نمایش درآمند و سپس هسته اولیه موزه ملک را شکل دادند. در واقع شهرت او به خاطر وقف‌های فرهنگی است که منحصر به تهران و مشهد نیست. وقتی سال ۵۱حاج حسین ملک فوت کرد، آن زمان گفتند یک میلیارد را داری خود را وقف کرده است.

او زمین وقف کرد و هدیه داد، باغ‌های شخصی خویش را برای بهره‌گیری مردم احدا کرد، به تجدید بنای شیر خوار گله کمک رساند، شهریه و مستمری سالانه به مستمندان آبرومند و کارمندان از کار افتاده کف‌سال اختصاص داد، کفالت نوجوانان را برعهده گرفت، دبستان و دبیرستان، بیمارستان، مسجد و حمام ساخت و فئات و چاه وقف کرد تا مردمان سرزمینش از ثروتی که پدر برایش به یادگار گذاشته بود، بهره بگیرند. او یک واقف بزرگ بود که به نتایج ارزنده‌ی کار خیر خود کاملاً واقف بود. منزل ابدی حاج حسین ملک در حرم امام رضا(ع) است.

تحت هیچ شرایطی نباید آن را بازگو کنیم. شاید ما ندانیم که بیان مسائل ساده و پیش پا افتاده در نظر ما، در نگاه قبیح تا حد چه مهم است. استاد محمدشجاعی از اساتید اخلاق در این باره اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) دارد مبنی بر اینکه «مجلس‌ها مانندند و فاش کردن راز برادر تر خیانت است». به اعتقاد وی منظور از مجلس حتی گفت‌وگوی تلفنی بین دو شخص است. وی در این‌باره می‌گوید: «بر ملا کردن راز دیگران، سخن چینی است.» استاد شجاعی با استناد به روایات و احادیث می‌گوید: «هت‌آسفانه یک سوم عذاب قبر برای سخن چینی است؛ بدین معنا که انسان حرفی را بشنود و جای دیگری بیان کند»

حدیثی در این زمینه از امام صادق (ع) نقل شده است مبنی بر اینکه هر کسی دلدست‌لی نقل کند و قصدش ظاهر ساختن بدی‌ها و ریختن آبروی مؤمنی باشد و بخواهد او را از چشم مردم پنهاندار متعال و لایت خود را از او برمی‌دارد و ولایت شیطان را جایگزین آن می‌کند. رازداری نوعی امتداری است. حتی شنود راز از کمک به فرد خائن است؛ در هیچ صورتی حقی برای این خیانت وجود ندارد حتی اگر دشمن ما باشد یا خیانت کرده باشد.